

Legitimacy of military forces in the fight against terrorism from the point of view International Law: A Narrative ReviewAbstract

Ebrahim Samandari¹, Somayehsadat Miri Lavasani²✉, Hatam Sadeghi Ziazi³

Abstract

Field and Aims: With the lack of a comprehensive definition of the concept of international terrorism in the ruling legal system of the world, the member states of the United Nations have legal obstacles to deal with it militarily from the perspective of international law. The Purpose of this research is to know the legal legitimacy of the military forces in facing this phenomenon. Based on the concepts of legitimate defense, the law of armed conflicts and the law of war in international law, it can be considered as an example for the legal legitimacy of military personnel. To achieve this goal, a single procedure should be chosen in this regard through a process of reviewing existing international laws.

Method: The method of this research is prepared with the approach of narrative review and using the closest sources to the subject.

Finding and Conclusion: The results obtained are that, Governments involved with terrorist activities should obtain the necessary legitimacy in self-defense based on Article 51 of the United Nations Charter. And due to the lack of international codified laws in the field of criminalization of terrorism, a legal article should be drafted so that the violation of the rights of armed conflict by the military forces in the fight against terrorism will be prosecuted in two ways. First, the establishment of military courts in these countries with fair proceedings and a method appropriate to the rank and position of the criminals. Second, by preparing and codifying laws on the criminalization of international terrorism, the platform for the establishment of competent courts to deal with cases of violations of the law of international armed conflicts in this regard should be provided.

Keywords: International Terrorism, International Law of Armed Conflict, Legitimate defense, Military Forces.

*Citation (APA): Samandari, E.; Miri Lavasani, S.; Sadeghi Ziazi, H. (2024). Legitimacy of military forces in the fight against terrorism, from the point of view International Law: A Narrative ReviewAbstract. *International Legal Research*, 17(64), 47-66.

1. International Law Master of Science Payam Noor University Tehran.

Email: esamandari26@gmail.com

2. Assistant Professor of Law Department, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University Tehran. (Author). Email: s.mirilavasani@pnu.ac.ir

3. Assistant Professor of Law Department, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University Tehran. Email: hatamsadeghi@pnu.ac.ir

مشروعیت نیروهای نظامی در مبارزه با تروریسم از دیدگاه

حقوق بین الملل: یک مرور روایتی

ابراهیم سمندری^۱، سمیه سادات میری لواسانی^۲، حاتم صادقی زیاری^۳

چکیده

زمینه و هدف: با فقدان تعریف جامع از مفهوم تروریسم بین المللی در نظام حقوقی حاکم بر جهان، کشورهای عضو سازمان ملل متحد برای مقابله نظامی با آن از منظر حقوق بین المللی دارای موانع قانونی هستند. هدف این پژوهش، شناخت مشروعیت قانونی نیروهای نظامی در مواجهه با این پدیده است. بر اساس مفاهیم دفاع مشروع و حقوق مخاصمات مسلحانه در حقوق بین المللی می توان آن را نمونه ای برای مشروعیت حقوقی پرسنل نظامی دانست. برای رسیدن به این هدف، باید رویه واحدی در این رابطه از طریق فرایند بازنگری قوانین بین المللی موجود انتخاب گردد.

روش: روش این تحقیق با رویکرد مرور روایتی و استفاده از نزدیکترین منابع به موضوع تهیه شده است.
یافته ها و نتایج: نتایج به دست آمده حاکی از آن است که دولت های درگیر با اقدامات تروریستی باید مشروعیت لازم را برای دفاع از خود بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد بدست آورند و با توجه به عدم وجود قوانین مدون بین المللی در زمینه جرم انگاری تروریسم، ماده قانونی تدوین گردد تا نقض حقوق درگیری مسلحانه بوسیله نیروهای نظامی در مقابله با تروریسم از دو طریق مورد پیگرد قانونی قرار گیرد: نخست، تشکیل دادگاه های نظامی در این کشورها با دادرسی عادلانه و روشی متناسب با رتبه و موقعیت مجرمان. دوم، با تهیه و تدوین قوانین جرم انگاری تروریسم بین المللی بستر تشکیل دادگاه های صالح برای رسیدگی به موارد نقض قوانین مخاصمات مسلحانه بین المللی در این زمینه فراهم شود.

کلیدواژه ها: تروریسم بین المللی، حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی، دفاع مشروع، نیروهای نظامی.

* استناددهی (APA): سمندری، ابراهیم؛ میری لواسانی، سمیه سادات؛ صادقی زیاری، حاتم. (۱۴۰۳). مشروعیت نیروهای نظامی در مبارزه با تروریسم، از دیدگاه حقوق بین الملل: یک مرور روایتی. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۷(۶۴)، ۶۶-۴۷.

۱. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران. رایانامه: esamandari26@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران. (نویسنده مسئول). رایانامه: s.mirilavasani@pnu.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران. رایانامه: hatamsadeghi@pnu.ac.ir

مقدمه

در دهه‌های اخیر، با رشد روزافزون اقدامات تروریستی در سطح بین‌المللی می‌توان آثار و پیامدهای مخرب این پدیده را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در کشورها و جامعه جهانی مشاهده کرد و در فقدان تعریفی جامع و متفق‌القول درباره تروریسم بین‌دولت‌ها، اندیشمندان، حقوقدانان، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و نبود اراده برای تدوین قوانین جرم‌انگاری به منظور چگونگی مجازات عاملین میدانی و حامی تروریسم سبب شده که مشکلات و موانع عدیده‌ای در مبارزه با آن وجود داشته باشد. عده‌ای اعتقاد به راه‌حل این بحران از طریق سیاسی دارند و برخی دیگر راه‌حل‌های حقوقی را ملاک قرار می‌دهند، اما تأکید بر این است که تا جهان به یک موضع هماهنگ در این خصوص دست پیدا نکند و بر مبنای تعریفی از تروریسم، راهکارهای اساسی برای مقابله با این پدیده شوم پیدا نشود، این مشکلات همچنان تداوم خواهد داشت. از سوی دیگر، پس از حوادث یازدهم سپتامبر، کشورهای قدرتمند دنیا که خود قربانی تروریسم بودند، با استناد به اصل دفاع مشروع^۱ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد، موافق این هستند که تنها می‌توان با رویکرد نظامی به مقابله با این مُعضل بین‌المللی پرداخت و بررسی‌ها در این مورد نشان می‌دهد که اگر منافع سیاسی و اقتصادی جزء اهداف اصلی آنها نبوده، تا حدودی نیز توفیق داشته‌اند و این روند در صورتی موفق خواهد بود که رویکردهای سیاسی و حقوقی نیز با الگوی نظامی تجمیع گردد.

اساس این تحقیق نقش نیروهای مسلح در مبارزه با تروریسم است و اگر به طور ضمنی قائل به این باشیم که برخی تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جنگ‌های چریکی و پارتیزانی توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی به عنوان الگویی موفقیت‌آمیز در دست اجرا بوده و هست، بنابراین پس از نافرجامی در الگوهای سیاسی و حقوقی، تنها الگوی باقی‌مانده در سرکوب تروریسم، استفاده از توسل به زور از طریق نیروهای مسلح می‌باشد. در این رابطه، دولت یا نیروی ضدتروریستی در اجرای اقدام نظامی با مشکلات و موانع حقوقی در سطح بین‌المللی روبه‌رو می‌باشد؛ زیرا در این خصوص کمتر به موانع، چالش‌ها و جایگاه حقوقی نیروهای نظامی در مبارزه با تروریسم پرداخته شده است و چنانچه در این رویکرد مسلحانه به ماده ۵۱ منشور ملل متحد استناد گردد، قاعدتاً می‌بایستی از مفاد حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در ارتباط با وضعیت حقوقی نیروهای نظامی و وابستگان آن بهره‌برداری نمود تا عملیات نظامی به منظور مبارزه با تروریسم مشروعیت بین‌المللی بدست آورده و تسهیل گردد. در وضعیتی که راه‌حل مقابله با عوامل تروریستی رویکرد نظامی و پارادایم جنگ انتخاب گردد، سؤال اصلی پژوهش این است که بکارگیری نیروهای

1. legitimate defense



مسلح در مبارزه با تروریسم با چه موانع و مشکلاتی از منظر حقوق بین‌المللی مواجه است؟ و هدف اصلی از انجام آن، ترسیم وضعیت این نیروها در این مبارزه بین‌المللی است.

۱. مفهوم تروریسم

در جهان امروز، تروریسم^۱ به عنوان عامل محرکه تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جایگزین سایر پدیده‌های سیاسی شناخته شده از جمله انقلاب‌ها، جنگ‌ها، کودتاها و شورش‌ها گردیده و از این بابت چالش‌های سیاسی بسیاری را در سطوح مختلف به وجود آورده است. این پدیده در حال گسترش بوده و شدیداً فراگیر شده و این بدان علت است که اجرای اقدامات تروریستی نتایج مطلوبی را برای تروریست‌ها به بار می‌آورد. آن‌ها در نتیجه چنین عملیاتی، امتیازات قابل توجهی از جمله امتیازات سرزمینی را از طرف مقابل خود که عمدتاً دولت‌ها هستند، به دست می‌آورند؛ به عنوان نمونه، دولت سری‌لانکا در اثر فشار تروریست‌ها مجبور به اعطای استقلال تامیل‌ها و تشکیل دولت مستقل توسط آن‌ها گردید (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۶-۱۴۵). تروریسم از دیرباز در رابطه قدرت و سیاست در جوامع به وقوع پیوسته است، اما در دهه‌های گذشته به شکل شگفت‌انگیز و خطرناکی توسعه پیدا کرده که به آن تروریسم مدرن اطلاق می‌گردد. این پدیده چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، برای کسب قدرت و امتیاز اجرا می‌گردد و از این رو، بررسی این پدیده در کانون توجه مطالعات و پژوهش‌های علوم انسانی در رشته‌های مختلف قرار گرفته است (بهارى و بخشى شیخ احمد، ۱۳۸۸: ۲).

۱-۱. تروریسم بین‌المللی

مفهوم کلاسیک تروریسم در حقوق بین‌المللی^۲ تحت عنوان تروریسم بین‌المللی^۳ نیز وارد شده و از سال ۱۹۳۷ به صورت عهدنامه‌ای بین‌المللی درآمده و در طول زمان ادامه یافته و تا دهه ۹۰ میلادی هیچ تحول جدی و عکس‌عملی نیز نسبت به آن مشاهده نشده، اما در دهه ۹۰ جهان به لحاظ انجام عملیات تروریستی با دهه خطرناکی روبرو گردید و این نوع عملیات گسترش چشمگیری پیدا کرد و فشارهای وارده بر اجتماعات مختلف در صحنه سیاست بین‌المللی موجب پدید آمدن عکس‌عمل‌هایی در قالب طبقه‌بندی تروریسم شد (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

۲-۱. تروریسم دولتی

اولین جنبه‌ای که باید از سوی دانشگاهیان در مورد مفهوم تروریسم دولتی^۴ در نظر گرفت، محتوای مطالعات تروریسم است و بررسی این که آیا در این مورد یک جهل عمدی وجود دارد یا

1. Terrorism
2. International Law
3. International Terrorism
4. State terrorism

خیر؟ به نظر می‌رسد که در مطالعه تروریسم یک تعصب دولتی وجود دارد و البته، اثبات این سوگیری دشوار است. با این حال، این امر مورد بحث است، زیرا استدلال می‌شود که ادبیات دانشگاهی توجه نسبتاً کمی به تروریسمی که توسط دولت‌ها انجام می‌شود، دارد. مطالعه تروریسم تمایل به تمرکز دولت‌محور دارد و تحلیلگران تروریسم دولتی به ندرت آن را مورد توجه قرار می‌دهند و وقتی که اعمال خشونت‌آمیز دولت را مستثنی می‌کنند، از اصطلاح عینی تروریسم استفاده می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد خشونت بازیگران باعث عدم تعادل در مطالعات تروریسم و در مورد تحقیقات دولتی و غیردولتی می‌شود و این استدلال را تقویت می‌کند که مطالعات تروریسم به طور نامتناسب و ناعادلانه در مورد بازیگران غیردولتی متمرکز شده است. علاوه بر این، تحقیقات دانشگاهی در مورد تروریسم دولتی ناکافی بوده است، همانطور که ادبیات مربوط به تروریسم دولتی به ندرت وجود داشته و مانع بررسی دقیق کارکردها، ویژگی‌ها، محدودیت‌ها یا منافع خود دولت می‌شود. مطابق با استدلال‌های ارائه‌شده، ظاهر امر نشان از یک سوگیری دولتی هنگام تحقیق درباره تروریسم در میان دانشگاهیان دارد.

و این در حالی است که تحقیق در مورد تروریسم دولتی به همان اندازه تحقیق در مورد تروریسم غیردولتی، مهم است. به دلیل عدم تحقیق و تحلیل احتمال تروریسم دولتی توسط دانشگاهیان، این تحقیقات درک تروریسم دولتی و نحوه مقابله با آن را محدود می‌کند (رایت^۱، ۲۰۱۹: ۲۰۷).

۳-۱. تروریسم و اعلام جنگ

دلیل ظهور تولید صنعتی پیچیدگی جنگ (مبارزه در جنگ) ناشی از جنگ جهانی اول است. در این بین، هنر عملیاتی جایگاه متوسطی را دارا می‌باشد. نگرش به تعریف تاکتیک و راهبرد که در روح کلاوزویتز^۲ تجلی می‌یابد، به عنوان تعریفی است از فعالیتی که نحوه استفاده از نیروها را برای شرکت در جنگ آموزش می‌دهد. در واقع، این‌ها سه مؤلفه اصلی هدف جنگ را به عنوان یک علم می‌سازند (تاکتیک، راهبرد، هنر عملیات)؛ زیرا علم نظامی به عنوان یک فعالیت اجتماعی مستلزم دانش است. قابلیت‌ها در زمینه خلاقیت این دانش‌ها و با هدف ایجاد یک توانایی در بیان کلاسیک مدیریت خشونت هارولد لاسول^۳ خلاصه شده است. برای تحقق مدیریت خشونت سازمان مورد نیاز است و اولین محصول عمومی جنگ، ارتش است؛ زیرا نقش این سازمان برای اعمال خشونت به عنوان یک متخصص در معرفی نیرو تحت شرایط خاص ظاهر شده است. مسلماً،

1. Wright

۲. فون کلاوزویتز، ژنرال و نظریه‌پرداز نظامی پروس بود که بر جنبه‌های اخلاقی و سیاسی جنگ تأکید داشت.

۳. هارولد دوايت لاسول زاده ۱۳ فوریه ۱۹۰۲ - درگذشته ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ دانشمند علوم سیاسی و نظریه‌پرداز ارتباطات آمریکایی بود.

اینها شرایط جنگ هستند، اما در جنگ موقعیت‌هایی بوجود می‌آید که رویکردهای جنگی باید به صورت سیستماتیک و بر اساس طبقه‌بندی تاکتیک، هنر عملیاتی و راهبرد اجرا شود. زیرا در واقع، تفاوت بین فرماندهان نظامی در دوران باستان و امروز این است که کسانی که برترین سلاح‌های به‌روز را در کنترل داشته باشند، روش کار آنها استفاده بیشتر از فناوری و منابع فعلی است. در هر حال، باید توجه داشت که استفاده از فناوری یعنی روش‌های واسطه‌ای که مورد نیاز ابزارهای مدیریتی برای انجام عملیات‌های رزمی است.

این بدان معناست که حوزه موضوعی جنگ از فناوری جدایی‌ناپذیر است و سیستمی که باید بین شناخت فناوری و موضوع جنگ سازگاری بوجود آورد، مستلزم یک سازمان عقلانی است که ارتش به سهم خود دارای این عقلانیت ممکن است. در اینجا، نقطه شروع جنگ، مورد تروریسم است. اما تروریسم چیست؟ محققین این پدیده اجتماعی هنوز موفق به تدوین یک تعریف کلی قابل قبول برای این موضوع نرسیده‌اند و به نظر می‌رسد که در تعریف سه‌گانه اهداف، ابزار مورد استفاده و نوع عملیات توسط تروریست‌ها اجماع وجود دارد. هدفی که تروریست‌ها از طریق سازمان‌دهی تحمیل می‌کنند، همیشه سیاسی است و ابزارهای استفاده‌شده توسط تروریست‌ها (خشونت یا تهدید با خشونت) است و به این بستگی دارد که اهداف خاص هر عملیات تروریستی چه نوع اقداماتی را تعیین می‌کند. این اهداف می‌تواند افرادی باشند که در وسایل نقلیه و ساختمانها وجود دارند که این امر می‌تواند خسارات هنگفت و تلفات بیشماری بر جان انسان‌ها وارد نماید. یکی از ویژگی‌های اساسی و مهم تروریسم، نمایش پیامدهای خشونت است. این بدان معنی است که حمله به اهداف تروریستی تنها تلفات فیزیکی و تخریب مادی نیست، بلکه ترس بر جامعه نیز از فعالیت‌های منظم تروریست‌ها حاکم خواهد شد. از این نقطه نظر می‌توان به این نتیجه رسید که تروریسم نوعی ترکیب بین جنگ و نمایش اعمال خشن‌ترین جنایات بر روی مردم بی‌گناه و در برابر انظار عمومی با هدف ایجاد وحشت جمعی به منظور رسیدن به اهداف سیاسی است؛ بنابراین، ارتش و پلیس بایستی در مقابله با این وحشت با استفاده از زور، از جامعه و مردم آن پدافند نمایند (کراستو و هریستو^۱، ۲۰۱۴: ۱۷۱-۱۷۲).

۲. دفاع مشروع

امروزه، در بحث دفاع مشروع دکترینی مطرح است که در وضعیت‌های خاصی به دفاع مشروع مجوز می‌دهد که از آن به دفاع مشروع پیش‌دستانه^۲ تعبیر گردیده که مفهومی جدا از دفاع مشروع پیشگیرانه دارد. برابر نظریه دفاع مشروع پیش‌دستانه، دولت قربانی مجاز می‌باشد به حملات قریب‌الوقوع یا آنجا که حمله‌ای بوقوع پیوسته و یا حملات بیشتری در دست طراحی می‌باشد،

1. Krastev and Hristov
2. Preemptive legitimate defense

پاسخ مسلحانه بدهد. این دکترین توسل به زور را در چند حالت مجاز می‌شمرد: اول اینکه شواهد قانع‌کننده‌ای نه صرفاً مبنی بر تهدید بالقوه، بلکه مبنی بر حملات قریب‌الوقوع وجود دارد و در نتیجه حمله‌ای مسلحانه صورت می‌گیرد که در این وضعیت، حمله مسلحانه قریب‌الوقوع و دولت قربانی می‌تواند به دفاع مشروع پیش‌دستانه اقدام نماید. دوم اینکه دولت قربانی یکبار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و در حال حاضر نیز شواهد و قرائن متقنی مبنی بر احراز آمادگی دشمن برای حمله مجدد وجود دارد که در این وضعیت نیازی نیست تا دولت قربانی منتظر حمله دیگری باشد و می‌تواند به دفاع مشروع پیش‌دستانه استناد نماید و چنانچه مستداتی وجود داشته باشد که دشمن قصد ادامه حملات را داشته باشد، توسل به نیروی مسلحانه طبق دفاع مشروع قانونی خواهد بود و پاسخ جهانی به حملات ۱۱ سپتامبر این مسئله را تأیید می‌نماید (شریفی، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۵). به هر میزان تهدید تروریسم افزایش پیدا نماید، تمایل دولت‌ها هم برای سرکوب مخالفان خود تحت عنوان مبارزه با تروریسم افزایش می‌یابد و در این مورد، ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق کشورها را برای دفاع مشروع در برابر حملات مسلحانه به رسمیت شناخته است. از سوی دیگر، نظر اکثر حقوقدانان این است که رویه دولت‌های عضو ملل متحد بر مفاد ماده ۵۱ منشور ملل متحد اثرگذار بوده و به نوعی، آن را اصلاح نموده و امروزه، توسل به زور به عنوان واکنشی در برابر یک حمله قریب‌الوقوع و حتمی همانند دفاع مشروع سنتی شامل حقوق ذاتی دولت‌ها برای دفاع از خود بوده و در این مورد نیازی به مجوز شورای امنیت نمی‌باشد (زیب و جلالی، ۱۳۹۷: ۵۴).

۲-۱. قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت

بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند تدابیر الزام‌آوری را علیه دولت‌ها اتخاذ کند یا اجازه استفاده از نیروی نظامی را در مواردی که متوجه شود صلح و امنیت بین‌المللی در معرض خطر است، صادر کند. در ارتباط با اعمال تروریستی، شورای امنیت قبلاً تحریم‌هایی را علیه لیبی، سودان و افغانستان اعمال کرده بود. قطعنامه ۱۳۶۸ سال ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حملات تروریستی به ایالات متحده را به شدت محکوم کرد و اعلام کرد که چنین اقداماتی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. این قطعنامه حق دفاع از خود را به رسمیت می‌شناسد، اما باید توجه داشت که حق دفاع مشروع از حقوق بین‌المللی عمومی و از ماده ۵۱ منشور ملل متحد ناشی می‌شود؛ در نتیجه، نیازی به تأیید شورای امنیت ندارد. به شورای امنیت هیچ نقشی در استفاده از حق دفاع مشروع داده نشده است، بجز اینکه این حق تنها بر اساس ماده ۵۱ اعمال می‌شود تا زمانی که شورا «اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام ندهد» (اولستین^۱، ۲۰۰۳: ۱۵۴).

1. Ulfstein



۲-۲. قانونی بودن حق دفاع مشروع و استفاده از ارتش

قانون درگیری مسلحانه^۱، رفتار نیروهای مسلح هنگام تعامل با یکدیگر را تنظیم می کند و ممکن است کسی بگوید که این وسیله ای برای تحقق سطح معینی از حقوق بشر و عرصه ای ذاتاً غیرانسانی است؛ اما میزان سطح وظیفه و مسئولیت نسبت به رزمندگان را تعیین و علاوه بر این، جنگجویان را مورد حمایت های قانونی قرار می دهد. با این حال، قانون درگیری مسلحانه به سادگی با این شکل جدید تهدید جنگ سازگار نیست. قانون درگیری مسلحانه فرض می کند در حالی که کشورهایی هستند که می جنگند، افراد و شهروندان خود را به عنوان نیروی مبارز تشکیل داده و هنجارهای خاصی از رفتار انسانی بوجود می آورند. در مقابله با این نوع جدید جنگ، بیشتر حقوقدانان بین المللی با عجله نتیجه گیری می کنند که قانون درگیری مسلحانه در مورد آنان صدق نمی کند یا اینکه در جنگ جهانی با تروریسم به منظور حفاظت، قانون درگیری مسلحانه باید برای همه قابل اجرا باشد و البته، هر دو موضع جنبه های مثبت و منفی دارند که متأسفانه، هیچ یک از نیازهای فعلی سیاست گذاران را برآورده نمی کند. هر دو موضع دارای ابهام است و با واقعیت های کنونی جهان متمدن هماهنگ نیستند. از سوی دیگر، اگر حمایت های قانون درگیری مسلحانه را به همه بدهیم، بسیاری از مبارزان القاعده می گویند که چنین محافظتی از تروریسم بین المللی به عنوان ابزاری برای جنگ مشروعیت دارد (سولمازی^۲، ۲۰۱۴: ۳۱۱). روندهای تاریخی که در طول ۵۰ سال گذشته تروریسم را به عنوان یک پدیده بین المللی شکل داده اند، شامل استعمار، پایان جنگ سرد، روند دموکراتیزه کردن (مهم ترین آنها در اروپای شرقی، اتحادیه سابق جمهوری های سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه، پاکستان، اندونزی و آمریکای لاتین)، گذار از تروریسم قدیم به جدید است. مورد اخیر یک روند ویژه نگران کننده برای آن دسته از دانشمندان و سیاست گذاران است که به این اعتقاد دارند که خشونت ناشی از عملیات تروریستی با اهداف کلی دومی محدود شده است و تجربیات آنها با عصری شکل گرفته است که در آن، انفجارهای ایرلند شمالی در سال های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۸ می تواند به عنوان حملات تلفات جمعی طبقه بندی شود. تجربه اخیر خصوصاً، آنچه در چچن نشان داد، حاکی از این است که تروریسم همچنین می تواند بر روند تأخیر در دموکراتیک کردن^۳، اصلاحات سیاسی و در نهایت، کمک به بازگشت اقتدارگرایی تأثیر بگذارد. یکی از نکات اصلی این است که استفاده از نیروی نظامی فقط در شرایط معین قابل پیش بینی است و اینکه در شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی می تواند تأثیر مخربی داشته باشد (هاگز^۴، ۲۰۱۱: ۸).

1. Law of armed conflict
2. Sulmasy
3. democratize
4. Hughes

اولویت منشور ملل متحد به نظام امنیت دسته جمعی است و اقدام شورای امنیت در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را استثنای اصلی منع توسل به زور قلمداد نموده و تا زمانی که این استثناء اجرائی نشده، دفاع مشروع فردی و جمعی را حق ذاتی دولت‌ها دانسته است. به عبارت دیگر، دفاع مشروع یک صلاحیت جایگزین موقت است و با اینکه استفاده از آن حق ذاتی کشورها در راستای حفاظت از بقای خود در برابر حملات مسلحانه خارجی است، اما از سوی دیگر احتمال دارد این توسل به زور امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهد و در نتیجه، کشور یا دولت مدافع باید اقدامات خود در این مورد را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش نماید (صحرایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۳).

۲-۳. قابلیت اعمال حق دفاع مشروع

قابلیت اعمال حق دفاع مشروع در برابر تروریسم بین‌المللی که پس از حملات بی‌سابقه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا از حمایت گسترده‌ای برخوردار شد و اگرچه این موضوع هنوز توسط یک دادگاه معتبر بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است، ممکن است امروز به طور جدی مورد چالش قرار نگیرد. به نظر می‌رسد در نبود یک تعریف کلی پذیرفته شده از تروریسم و رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که حق دفاع از خود در حال گسترش است. از سوی دیگر، هرگونه ادعای غیرقابل‌صلاحیت در استفاده از نیروی دفاع از خود در برابر تروریسم بین‌المللی در تضاد با اهداف سازمان ملل متحد و در تناقض با آرزوهایی است که دلیل تأسیسش بوده می‌باشد. حتی اگر دلایلی با تأکید بر مفاهیمی مانند انعطاف‌پذیری و پویایی برای به‌روزرسانی، ترویج و تقویت قواعد حقوقی بین‌المللی در بسیاری از کشورها، ماهیت جنگ در همه اشکال آن ما را ملزم می‌کند که در این موارد به شدت محدود و محتاط باشیم. گشودن امکانات جدید برای استفاده از زور تمام ارزش‌های اخلاقی که جهان را در سال ۱۹۴۵ بر آن داشت تا به منظور نجات نسل‌های بعدی از بلای جنگ که دو بار اتفاق افتاد و غم‌های ناگفته‌ای را برای بشر به ارمغان آورد، ایجاب می‌نماید تا استفاده از زور را منع عمومی کنیم. همچنین، باید در برابر هر تلاشی برای بازگشت به وضعیت قانونی که قبل از تصویب منشور ملل متحد^۱ حاکم بود، ما را به مقاومت در برابر گسترش استفاده از زور راهنمایی کند. تروریسم بین‌المللی و تراژدی‌های انسانی نباید بهانه‌ای برای استفاده نابجا از زور شود. هنگامی که صحبت از استفاده احتمالی از زور علیه تروریسم بین‌المللی می‌شود، باید گفت بسیار حائز اهمیت است که شرایط واقعی پیرامون پذیرش قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت دائماً در نظر گرفته شود. این فرض کلی در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱، بر اساس اطلاعات ایالات متحده در مورد عاملان و میزان تلفات این حملات تروریستی بوده که توسط یک سازمان تروریستی بین‌المللی به نام القاعده انجام شده که با حمایت فعال دولت طالبان در افغانستان بوده

1. Charter of the United Nations

است و تلفاتی که چند هزار نفر تخمین زده شد؛ فقط در این شرایط بود که شورای امنیت از حق ذاتی دفاع از خود حمایت کرد (محمودی^۱، ۲۰۰۶: ۲۰۵).

۳. اقدام بر علیه تروریسم

مقابله با تروریسم اقداماتی است که در عین حالی که به معلولها (اقدامات تروریستی) پاسخ می‌دهد، به علت‌ها و ریشه‌های تروریسم نیز توجه دارد و آنها را مورد بررسی قرار داده و تحلیل می‌نماید. به عبارت دیگر، مقابله با تروریسم اقداماتی است که برای کاستن از آسیب‌پذیری‌های فردی و اجتماعی اعمال تروریستی بر علیه نیروهای نظامی، محلی و مدنی بکارگرفته می‌شوند. از دیدگاه دیگری، مقابله با تروریسم یعنی طرح‌ریزی و اجرای راهبردها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و اقداماتی که دولت‌ها، ارتش‌ها و نیروهای پلیس به منظور ممانعت و پاسخ به اقدامات و تهدیدات تروریستی انجام می‌دهند (بزرگمهری و کیارستمی، ۱۳۹۶: ۱۴۱).

در مقوله مقابله با تروریسم، سه الگوی نظامی^۲، سیاسی^۳ و حقوقی^۴ پیش رو قرار دارد. در حادثه یازده سپتامبر، با بکارگیری الگوی نظامی توسط دولت آمریکا، این قضیه به عنوان جنگ توصیف شد که طبعاً، دفاع مشروع مسلحانه تنها راه مقابله با آن محسوب گردید. همچنین، توسل به دفاع مشروع بر پایه ماده ۵۱ منشور ملل متحد دارای شرایطی است که عبارت است از ضرورت حمله نظامی باید فوری و آخرین راه‌چاره باشد، هدف حمله نظامی منحصرأ باید به قصد سرکوب تجاوز اعمال شود و حمله نظامی باید متناسب با هدف باشد (قربان نیا، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

۳-۱. اقدام قهری در مبارزه با تروریسم بین‌المللی

در حالی که صحبت از تروریسم و استفاده از روش‌های مبارزه با آن به میان می‌آید، یکی از راه‌حل‌هایی که بلافاصله به ذهن می‌رسد، استفاده از زور در پاسخ به این مشکل است؛ اما باید این موضوع را در نظر داشت که آیا در صورت استفاده از زور برای مبارزه با تروریسم، این امر طبق قوانین بین‌المللی قانونی است. از سوی دیگر، اعمال تروریستی افزایش یافته و استفاده از زور توسط کشورهای قربانی به عنوان یک پاسخ لازم به آن اجتناب‌ناپذیر شده است. واکنش‌های قهری مختلف به تروریسم بر اساس منشور سازمان ملل متحد و قواعد عرفی حقوق بین‌المللی باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بیانیه ۱۹۷۰ از کشورهای دعوت می‌کند تا اختلافات خود را به روشی مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند. علاوه بر این، از آن‌ها می‌خواهد که از هر اقدامی که شامل استفاده از زور است، اجتناب کنند. ماده ۵۱ منشور مقرر می‌دارد که هیچ ماده‌ای در این منشور با آن در

1. Mahmoudi
2. military
3. political
4. legal

تناقض نیست و با وجود الزامات همه کشورها به تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، نه بند ۳ ماده ۲ و نه ماده ۳۳ منشور، به حق دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ لطمه نمی‌زند. حق ذاتی دفاع شخصی یا جمعی در صورت حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای ایجاد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید، پذیرفته است. با توجه به ماده ۱ می‌توان استنباط کرد که هرچند استفاده از زور مجاز نیست، با این حال، در برخی موارد توسل به زور مجاز است. عبارت یا به هر نحوی که با اهداف سازمان ملل متحد و مطابق با اهداف پذیرفته‌شده منشور باشد، به نظر می‌رسد به معنای داشتن حق کشورها در شرایط محدود از استفاده از زور است و در این خصوص، مفاد ماده ۵۱ مستثنی است؛ زیرا استفاده از زور به عنوان دفاع شخصی فردی و جمعی ذیل فصل هفتم اقدامات عملی شورای امنیت قرار دارد. دفاع از خود به طور سنتی به عنوان یک دلیل عادلانه در نظر گرفته شده است. استفاده از زور عموماً حق یک دولت برای دفاع از خود است و اعتقاد بر این است که ویژگی ذاتی حاکمیت است. گروسیوس^۱ این حق را بر اساس قانون طبیعی استوار کرد که گفت: دفاع از خود، منشأ خود را از اصل دفاع از خود می‌گیرد؛ که طبیعت به هر موجود زنده‌ای بخشیده است. حق دفاع از خود به تدریج تبدیل به یک دکترین پذیرفته‌شده حقوق بین‌المللی عرفی برای ارزیابی در پاسخ به تروریسم به عنوان یک اقدام تشویقی برای مشروعیت استفاده از زور و دکترین دفاع از خود به کار گرفته شده است و چهار پیش‌نیاز برای استفاده مشروع از زور در دفاع از خود به شرح زیر مقرر گردیده است:

۱. نقض یا تهدید به نقض سرزمینی تمامیت یا استقلال سیاسی دولت مدافع.
 ۲. شکست یا ناتوانی دولت دیگر در جلوگیری از تخلف.
 ۳. عدم وجود ابزار جایگزین برای حفاظت مطمئن.
 ۴. محدودیت شدید دفاع از استفاده از زور توسط دولت در اقدام منع خطر.
- (کرم زاده و طباطبائی^۲، ۲۰۱۸: ۳۹).

۳-۲. نقش ارتش ملی در تقابل با تروریسم و چالش‌های حقوقی بین‌المللی پیش‌رو

دلیل اثربخشی استفاده از نیروهای مسلح در مبارزه با تروریسم این است که همه کشورهای پیشرفته و مدرن دارای نیروهای نظامی برای مقابله با موارد ضد امنیت^۳ هستند و با ادبیات موجود حداقل شش مؤلفه وجود دارد که در آن ارتش برای ابزاری در مقابله با تروریسم استفاده شده است: اول، در مواقع بحران می‌توان از نیروی نظامی برای کمک به مقامات غیرنظامی به منظور

۱. هوگو گروسیوس (Hugo Grotius)، زاده ۱۰ آوریل ۱۵۸۳ - درگذشته ۲۸ اوت ۱۶۴۵، فیلسوف، حقوقدان، عالم علوم سیاسی، قاضی، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس اهل هلند بود (آبادیس).

2. Karamzadeh and Tabatabaei
3. anti security



بازگرداندن نظم و قانون استفاده کرد. دوم، نیروی نظامی می‌تواند مانع حملات تروریستی شود و این یک اصطلاح رایج در واژگان جنگ دولت بوش علیه تروریسم بوده است. سوم، ارتش همچنین می‌تواند با اعتبار قدرت خود به عنوان یک عامل بازدارنده از حمله تروریست‌های بالقوه ممانعت به عمل آورد. چهارم، می‌توان از نیروی ارتش برای مقابله به مثل در حملات تروریستی استفاده کرد. پنجم، ترور و کشتن رهبران سازمان‌های تروریستی یکی دیگر از روش‌های بکارگیری نیروی نظامی برای مقابله با اقدامات تروریستی است. در این مورد، استدلال این است که عملکرد مؤثر این گروه‌ها را کاهش می‌دهد. ششم، از طریق جنگ می‌توان برای کاهش یا از بین بردن فعالیت‌های تروریستی اقدام کرد و همه این موارد، استفاده از نیروی نظامی و ایده‌های موجود در مورد اثربخشی آنها را نشان می‌دهد (دایوستین^۱، ۲۰۱۰: ۳۳۳-۳۳۴).

یک کشور ممکن است از دو نظریه برای پاسخ به اقدامات تروریستی استفاده کند: رویکرد اجرای قانون یا استفاده از درگیری مسلحانه. تا همین اواخر، رویکرد غالب در پاسخ به اقدامات تروریستی، اجرای قانون بوده است. این رویکرد مورد توجه بسیاری از کارکردهای دولت مدنی بوده و وقایع تروریستی را صرفاً، اقدامات مجرمانه می‌داند و رویکردی است که اساساً داخلی است و مؤلفه‌های سیستم دادرسی کیفری نظیر پلیس، بازرسان، دادستان‌ها، و کلای مدافع، قاضیان، هیئت‌های منصفه، دادگاه‌های استیناف و سیستم اصلاحات را شامل می‌شود و پس از مشخص شدن اقدام تروریستی، آنان تحت پیگرد قانونی قرار گرفته، محاکمه و بازداشت می‌شوند؛ همانطوری که وجود دارد. رویکرد اجرای قانون در مورد تروریسم قوانین داخلی را اعمال می‌کند، در حالی که رویکرد مدیریت تضاد (استفاده از زور) از قوانین بین‌المللی استفاده کرده و شامل قانون درگیری مسلحانه است که مسئولیت و عرف دولت را در حق ذاتی دفاع از خود پیش‌بینی کرده است (تراولیو و آلتنبورگ^۲، ۲۰۰۳: ۹۸). برای این که اصل تناسب^۳ رعایت شده و استاندارد باشد، باید استفاده از زور قانونی بوده و اصل تفکیک^۴ اهداف نظامی از غیرنظامی در هسته قوانین کشور وجود داشته باشد و جهت به حداقل رسانیدن تلفات غیرنظامیان بایستی حسب وظیفه تعیین گردد. رسیدن به تعریفی جامع که از غیرنظامیان و افراد محافظت کند، کار ساده‌ای نیست و در عین حال، دشمن در تفکیک غیرنظامیان پاداشی پرداخت نمی‌کند و از این رو، اهداف نظامی به صورت عمدی در بین جمعیت غیرنظامی پنهان می‌شوند و آنها را در معرض خطر قرار می‌دهند تا این امر غیرنظامیان را وادار به مقابله و رفتار خصمانه نماید (روستو^۵، ۲۰۱۱: ۵).

1. Duyvesteyn
2. Travalio and Altenburg
3. Proportion principle
4. Principle of segregation
5. Rostow

۳-۳. بکارگیری سیستم‌های بدون سرنشین نظامی در مقابله با تروریسم و چالش‌های موجود

در سال‌های اخیر، موردی که بیش از همه نظر حقوق‌دانان بین‌المللی را در خصوص تهدیدهایی که نسبت به حقوق غیرنظامیان به دلیل شرکت مستقیم آنها در مخاصمات مسلحانه به عمل می‌آید، به خود جلب نموده، راهکار جدیدی است که دولت آمریکا و متحدانش برای مبارزه با گروه‌های تروریستی همانند القاعده در جنگ‌های نامتقارن^۱ در پیش گرفته‌اند؛ به طوری که فعالان سیاسی و نظامی مخالف خود را در خارج از منطقه نبرد و به صورت غافلگیرانه نابود می‌کنند (علاقه بندحسینی و یزدان نجات، ۱۳۹۲: ۲۲۳-۲۲۲). نابودی و کشتار^۲ هدفمند انسان‌ها در قرن بیست‌ویکم بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین نظامی واقعیتی است که کشورهای قدرتمند نظامی مانند آمریکا و اسرائیل در سطح جهان به نمایش گذاشته‌اند و با استفاده از این سیستم‌ها در مبارزه بر علیه تروریسم بین‌المللی آن را به اوج خود رسانیده‌اند. از سوی دیگر، نکته مهم این است که با ظهور و پیشرفت این نوع سیستم‌ها در امور نظامی، چالش‌های جدی در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه^۳ بوجود آمده است؛ زیرا با وجود این سیستم‌ها در آینده مخاصمات، انسان‌ها از صحنه جنگ خارج شده و این روبات‌ها هستند که کاملاً خودکار و بدون داشتن هرگونه عواطف انسانی به راحتی موجبات نقض اصول اولیه حقوق بشردوستانه را پدید می‌آورند (لسانی و منفرد، ۱۳۹۶: ۲۵۰). خواست و اراده عمومی در رابطه با درگیری‌های مسلحانه‌ای که موجب ایجاد تلفات انسانی می‌گردد، این است که مسئولین ذیربط در این خصوص معرفی گردند. پاسخگویی در این موارد سه کاربرد اساسی دارد: اول اینکه در آینده و در سایر مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه از وارد آمدن تلفات و صدمات انسانی ممانعت به عمل آورده یا به حداقل می‌رساند و دوم اینکه، این احساس را برای اطرافیان قربانیان مخاصمات ایجاد می‌نماید که مسئولین انجام این تلفات مورد مجازات قرار می‌گیرند و سوم، برای آمران پیام‌پیگرد، محکومیت و مجازات در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، نقض قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی سبب ایجاد مسئولیت کیفری برای افرادی که قوانین و قواعد مرتبط با این شاخه از حقوق را نقض می‌کنند، شده و برای دولتی که اقدامات ناقضان قواعد حقوق بشردوستانه به آنها انتساب پیدا می‌کند، مسئولیت غیرکیفری به بار می‌آورد. قاعده کلی در مورد مسئولیت دولت، تنها رفتار قابل انتساب به آن دولت در سطح بین‌المللی است. به عبارت دیگر، رفتار یک دولت در سطح جهانی ناشی از رفتار یک ارگان یا اشخاصی است که مأمورین دولتی تحت هدایت، کنترل و دستور آنها اقدام نموده‌اند. در رابطه با مسئولیت‌های فرمانده، اگر او اطلاع داشت یا اینکه می‌بایستی اطلاع داشته باشد که افراد تحت امرش به دنبال ارتکاب جرم هستند، اما فرمانده مذکور اقدامی در خصوص جلوگیری از وقوع

1. Asymmetric wars

2. Targeted killing

3. International humanitarian law



جرم انجام نداده یا با مرتکب جرم برخورد انضباطی نکرده، قطعاً مسئولیت او در ارتکاب جرم انجام شده محرز می‌باشد (اسلامی و انصاری، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۵۵).

۳-۴. چارچوب قانونی استفاده از نیروهای مسلح

این منشور سازمان ملل است که چارچوب قانونی را برای استفاده از نیروی مسلح فراهم می‌کند که باید در مبارزه با تروریسم نیز رعایت شود. پس از وحشت بی سابقه جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد در فضایی از خشم عمومی ایجاد شد و ایجاد آن منجر به مهم‌ترین و مطمئن‌آ، جاه طلبانه‌ترین اصلاحات شد. حقوق بین‌المللی در قرن بیستم، یعنی ممنوعیت استفاده تهاجمی از نیروی مسلح در روابط بین‌المللی. این قاعده در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل مقرر شده است و ایجاب می‌کند تا همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور دیگری به شیوه‌ای مغایر با اهداف سازمان ملل متحد خودداری کنند. این ماده در مقایسه با گذشته در تلاش برای غیرقانونی کردن استفاده از نیروی مسلح پیشرفت قابل توجهی داشته، اما در عین حال هنوز خالی از ابهام نیست. مطمئن‌آ، مترقی است، زیرا اشاره می‌کند در مورد تهدید یا استفاده از زور، نه در مورد جنگ. دومی به وضعیتی اشاره دارد که با اعلان جنگ یا رد اولتیماتوم و با یک معاهده صلح از طریق مذاکره به پایان می‌رسد، اما اصطلاح نیرو مفهومی واقعی دارد و تمام اشکال خصومت را بدون در نظر گرفتن نحوه تصمیم‌گیری دولت‌ها برای طبقه‌بندی آنها پوشش می‌دهد. آنچه بیش از همه مهم نشان می‌دهد، استفاده واقعی و مفید از نیروی مسلح در برابر حملات تروریستی است؛ زیرا کشورهای عمل‌کننده به ندرت رسماً چنین حملاتی را تأیید می‌کنند و برعکس، این دخالت‌ها را انکار می‌کنند و حتی ادعا می‌کنند که حملات حتی یک نوع از استفاده از زور نیستند. با این حال، چندین جنبه منفی یا مشکل‌ساز در این مورد وجود دارد.

اولاً، این ماده در مورد زور صحبت می‌کند، نه نیروی مسلح و باعث ایجاد اختلاف شده است. دیدگاه این است که در این زمینه، اصطلاح نیرو محدود به نیروی مسلح بوده و شامل مؤلفه سیاسی یا اقتصادی نمی‌شود. ثانیاً، تأمین تهدید یا استفاده از زور را ممنوع می‌کند. در رابطه با متن «علیه تمامیت ارضی یا سیاسی استقلال هر کشور یا به هر شکل دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد»، باید اذعان داشت که نیروی نظامی را می‌توان برای اهداف مختلف استفاده کرد؛ زیرا تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر یک از دولت‌ها را هدف قرار نمی‌دهد، به عنوان مثال، در عملیات نظامی بر ضد تروریسم قطعاً مفهوم بند ۴ ماده ۲ این نبوده که هرگز ممنوعیت را به استفاده از نیروی مسلح محدود کنند؛ اما از نظر تهیه‌کنندگان منشور به عنوان بارزترین مصادیق آنچه ممنوع است، اشاره شده است. بنابراین، برابر بند ۴ ماده ۲، تهاجم به قلمرو دولت دیگر حتی اگر به قصد محروم کردن آن از قلمرو خود نباشد، تخلف محسوب می‌شود و کلمه حسن‌نیت در بند ۲ این ماده در واقع، باید به عنوان تخلف‌ناپذیر خوانده شود. علاوه بر این، بندهای تمامیت

ارضی و استقلال سیاسی نباید توجه را از عبارت هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، منحرف کند. مهم‌ترین و فراگیرترین هدف سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و برای این منظور، جلوگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و سرکوب تجاوز در اشکال مختلف آن حتی یک حمله دقیق علیه یک بازیگر غیردولتی تروریستی، با استفاده از نیروی مسلح، به طور بالقوه می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی ارزشمند و اغلب بی‌ثبات آن را به خطر بیندازد. اگرچه منشور سازمان ملل مرجع اصلی است، اما از سوی دیگر استفاده از نیروی مسلح نیز توسط قوانین عرفی تنظیم می‌شود. بند ۴ ماده ۲ منشور به عنوان یک معاهده فقط برای کشورهای عضو سازمان ملل متحد الزام‌آور است. فقط یک دهه پس از تصویب منشور ملل متحد این ماده منعقد شد و پس از آن، نه به عنوان یک هنجار قراردادی، بلکه یک هنجار حقوق عرفی در نظر گرفته شد؛ به این ترتیب، از نظر قانونی برای همه دولت‌ها الزام‌آور است. علاوه بر این، ممنوعیت استفاده از نیروی مسلح به وضعیت یک هنجار ایوس کاگنس رسیده است. به طور کلی، به بیان دیگر، این موارد هنجارهای اصلی حقوق بین‌المللی هستند که اساس آنها باید همیشه بدون هیچ بهانه‌ای اجرا شوند. تعهدات ناشی از هنجارهای آمرانه مانند قراردادهای معمول نیستند و به عنوان تعهداتی هستند که متعلق به کل جامعه بین‌المللی است. به عبارت دیگر، نقض یک هنجار آمرانه امر ضروری منافع هر کشور را نقض می‌کند؛ بنابراین، نه تنها دولت آسیب دیده، بلکه هر کشور دیگری حق دارد به مسئولیت دولت متخلف استناد کند. مانند هر قانون دیگری، این ممنوعیت استفاده از نیروی مسلح بدون استثنا نیست. گرچه برخی از دولت‌ها و نویسندگان به طور بالقوه از چندین مورد توجیهات مشکوک برای استفاده قانونی از نیروی مسلح حمایت کرده‌اند، اما تنها دو مورد صریح استثنا وجود دارد: دفاع مشروع (ماده ۵۱) و اقدامات اجرایی نظامی مجاز توسط شورای امنیت (ماده ۴۲). هر زمان که یک کشور یا جامعه بین‌المللی بخواهد در برابر یک بازیگر غیردولتی تروریستی از نیروی مسلح استفاده کند، همه روش‌های به کار گرفته شده باید تحت این دو استثنا باشد (وارک^۲، ۲۰۱۱: ۸۳-۸۵).

۰۴ وضعیت زندانیان تروریست از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

تفکیک افراد مبارز از غیرمبارز مخصوصاً در قلمرو جنگ زمینی، مسائل چندی را به وجود می‌آورد. این تفکیک مبنای خود را در این عقیده می‌یابد که عملیات خصمانه کار هر کس نیست و هر کس نمی‌تواند عنوان مبارز را به خود اختصاص دهد، بلکه طبق مقررات حقوق بین‌المللی، تنها اعضای نیروهای مسلح منظم هستند که به عنوان مبارز شناخته شده‌اند. مبارزان مسلح برخوردار

۱. *ius cogens* (هنجار آمرانه یا اجباری که آمره نیز نامیده می‌شود، یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل است که توسط جامعه بین‌المللی و دولت‌ها به عنوان هنجاری پذیرفته شده است که هیچ گونه انحرافی از آن مجاز نیست).

2. Värk

از حقوق خاصی چون حق مبارزه، حق دفاع، حق برخورداری از وضعیت مجروحان و اسیران جنگی بوده و در مقابل، تکالیف خاصی نیز برعهده دارند؛ از جمله رعایت قوانین و مقررات جنگی که در این رابطه، کشورهای متخاصم نیز امکان دارد آنان را مورد حمله و تعرض قرار دهند. از سوی دیگر، در کنار مبارزان مزبور که در واقع، به آنان مبارزان منظم می‌گویند، مبارزان غیرمنظم هم وجود دارند که از نظر حقوق بین‌المللی دارای وضعیت استثنائی می‌باشند. جدای از مبارزان منظم و غیرمنظم، غیر مبارزان یا افراد غیرنظامی نیز می‌باشند که دارای حقوق و تکالیف مشخص و معینی هستند؛ از جمله این که بایستی از ارتکاب اعمال خصمانه پرهیزند و به شرط عدم مشارکت در مبارزه مورد احترام دشمن باشند. به استناد عهدنامه ژنو، این افراد در صورتی که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از سوی دشمن خود دستگیر شوند، اسیر جنگی محسوب می‌گردند. -تمام اعضای نیروهای مسلح منظم و سازمان‌یافته‌ای که تابع یک قدرت رسمی باشند، -تمام اعضای نیروهای مسلح غیرمنظم از جمله اعضای دسته‌های چریکی و پارتیزانی، -اعضای نهضت‌های پایداری سازمان‌یافته‌ای که در خارج یا در داخل کشور خود فعالیت دارند، -نظامیانی که در یک کشور بی‌طرف بازداشت شده‌اند، به شرطی که در آنجا وضعیت مناسبتری نسبت به کشور متخاصم نداشته باشند، -نظامیانی که از حیث امنیتی از سوی کشور اشغالگر به دلیل عضویتشان در نیروهای مسلح کشور اشغالی توقیف شده‌اند، -اشخاصی که در سرزمین‌های اشغالی داوطلبانه در کنار دشمن سلاح در دست می‌گیرند، بدون اینکه فرصت متشکل شدن به صورت ارتش منظم را داشته باشند، -خدمه کشتی‌های بازرگانی یا ناوهای هوایی غیرنظامی، - خبرنگاران جنگی، -مددکاران بهداری و مذهبی؛ و در مقابل، این افراد شامل اسیران جنگی نبوده و حق برخورداری از وضعیت مربوط به اسیران جنگی را ندارند. مزدوران، جاسوسان، خرابکاران و اتباع غیرنظامی دشمن (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۷۲-۱۷۱).

بحث و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین شاخص این پژوهش، مشروعیت ارتش‌های ملی در حق ذاتی خود در استفاده از زور و دفاع مشروع و از سوی دیگر، فقدان تعریفی جامع از تروریسم بین‌المللی به منظور تبیین رویه‌ها و قواعد قضائی در صدور احکام بین‌المللی بر علیه اقدامات تروریستی است و بالطبع، شامل رویه‌های قضائی برای عنصر مقابله‌کننده و به تعبیر دیگر، نیروهای نظامی نیز می‌باشد. در اسناد بین‌المللی چه در رویه و چه در عرف، به صراحت تکلیف و وضعیت نیروهای مسلح در مبارزه با تروریسم مشخص نشده و تنها در این مورد می‌توان به حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی استناد کرد که آن هم دارای ابهامات و کاستی‌هایی می‌باشد؛ به عنوان نمونه، در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی مسلح و روبات‌های نظامی مسلح که تحت کنترل گروه فرماندهی در خارج از میدان نبرد هستند، هنوز هیچ قواعدی به صراحت تنظیم نشده تا نقش این تجهیزات هوشمند و پیشرفته در صحنه نبرد را تعریف نماید. در واقع، در صورتی که نیروی مسلح دولت قربانی تروریسم در انجام عملیات‌های نظامی ضد تروریستی خود با رعایت موازین حقوق بشری و حقوق مخاصمات مسلحانه و ذیل فصل هفتم اقدامات شورای امنیت عمل نمایند، قطعاً از پشتیبانی‌های حقوق بین‌المللی در این زمینه برخوردار خواهند بود و در غیر این صورت و با نقض حقوق مخاصمات مسلحانه در عملیات‌های نظامی که مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی باشد، به طور حتم با موانع و چالش‌های حقوقی متعدد مواجه خواهند شد که در ادامه، از طریق مراجع بین‌المللی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. همچنین، به دلیل فقدان تعریف جامع و قابل قبول در خصوص تروریسم بین‌المللی از سوی دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، محققان، حقوقدانان، کارشناسان و... نمی‌توان وضعیت عوامل تروریستی را به لحاظ دارا بودن شرایط حقوق مخاصمات مسلحانه مشخص نمود؛ به عنوان نمونه، در رابطه با شرایط اسیران جنگی در یک مخاصمه مسلحانه هیچ بند و ماده‌ای به تروریسم اختصاص ندارد، اما اگر این عوامل را هم‌ردیف خرابکاران قرار دهیم، به استناد ماده ۴ عهدنامه سوم ژنو و بند ۱ ماده ۴۳ پروتکل شماره یک، این افراد شامل اسیران جنگی نمی‌باشند و نوع برخورد دولت قربانی تروریسم در برابر این افراد دقیقاً مشابه برخورد با مزدوران، جاسوسان، خرابکاران و اتباع غیرنظامی دشمن می‌باشد و این دولت در حال جنگ با تروریسم است که نوع برخورد با این عناصر را خود مشخص می‌نماید؛ زیرا در این رابطه نه می‌توان از صلاحیت سرزمینی و قوانین داخلی بهره‌برداری کرد و نه صلاحیت بین‌المللی اثرگذار است و دادگاه صالحه بین‌المللی نیز در خصوص محاکمه و مجازات آنها مسئولیت و وجود خارجی ندارد. در خصوص اهمیت جنگ با تروریسم این نکته را باید مورد توجه قرار داد که در جنگ‌های جهانی گذشته بالاخره، پس از مدتی مخاصمات فرو نشست و دولت‌ها با یکدیگر مصالحه نموده و شرایط جهانی به روند عادی خود بازگشت، اما روند رو به رشد سریع

تروریسم و ناتوانی جامعه جهانی در کنترل آن تبعات سختی را به بار آورده و در صورتی که بر همین منوال پیش رود، باید شاهد فجایع خشونت آمیز و رقت بارتری از اقدامات تروریستی در سطح بین المللی باشیم. با تمامی این تفاسیر می توان این طور نتیجه گرفت که در حال حاضر، در فقدان قواعد حقوقی بین المللی جهت برخورد با نیروهای مسلحی که به طور خواسته یا ناخواسته در جنگ با تروریسم تخلفاتی را مرتکب می شوند، اولین مرجع رسیدگی به این تخلفات همان دادگاه های نظامی است که در داخل کشور متبوعه اعزام کننده این نیروها و به فراخور درجه و مقام آنها از پایین ترین درجه و مسئولیت تا بالاترین درجات و رده های فرماندهی قابل اعمال بوده و پس از آن، در مرحله بعدی از طریق مراجع و دادگاه های صالح بین المللی، تخلفات آنها از طریق قوانین و قواعد حقوقی مشخصات مسلحانه ارزیابی و مورد پیگرد قرار گیرد. لذا، بر مبنای نتایج بدست آمده از این پژوهش، پیشنهادهای ذیل ارائه می گردد:

- دولت ها منافع سیاسی و اقتصادی خود را کنار گذاشته و به منظور صیانت از صلح و امنیت جهانی، همکاری های خود را در ارتباط با کنترل پدیده تروریسم بیشتر نمایند؛ زیرا در صورت فقدان این همکاری ها محتمل است خود دولت های مشکوک به حمایت از تروریسم از این پدیده آسیب جدی ببینند.

- دولت ها، محققین، حقوقدانان، سیاستمداران، اندیشمندان، سازمان ها و نهادهای بین المللی در یک توافق و تفاهم فراملی و بین المللی، به تعریفی درست و جامع از پدیده تروریسم دست پیدا کنند و در سایه این توافق بین المللی به منظور تهیه و تنظیم قواعد و قوانین به روز شده اقدام نمایند تا با اجرای آن در سطح بین المللی، فعالیت سازمان ها و گروه های تروریستی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی کم اثر یا بی اثر گردد.

- پس از توافق در تعریف تروریسم و راهکارهای مبارزه با آن، از طریق دیوان بین المللی دادگستری قواعد و قوانینی به منظور نحوه عمل و برخورد نیروهای مسلح کشورها در سطح بین المللی تهیه و تنظیم گردیده و تمام کشورهای عضو سازمان ملل به آن متعهد گردند.

- جرم انگاری تروریسم بین المللی تعریف و تبیین شده و در این راستا، دادگاه های صالح ویژه رسیدگی به جرائم اقدامات تروریستی، هم برای عوامل تروریست و هم برای عوامل ضد تروریست به منظور بررسی تخلفات و صدور احکام اجرائی در سطح بین المللی تشکیل گردد.

- یک نیروی ضد تروریسم مشترک بین المللی توسط سازمان ملل متحد سازمان دهی و فرماندهی آن به صورت دوره ای تعیین گردد تا در هر نقطه جهان به منظور اجرای عملیات بر علیه اقدامات تروریستی وارد عمل گردد. بدین ترتیب، چون یک نیروی بین المللی است، هیچ کشوری متهم به نقض تمامیت ارضی کشورهای دیگر نمی گردد.

منابع

-آزمایش، سیدعلی. (۱۳۸۰). نگرشی نو به مفهوم تروریسم بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۳ (۴)، ۲۰۳-۱۸۵.

https://qjpl.atu.ac.ir/article_3328_0.html

-اسلامی، رضا و انصاری، نرگس. (۱۳۹۶). بکارگیری ربات‌های نظامی در میدان جنگ در پرتو اصول حقوق بشر دوستانه. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۴ (۵۶)، ۱۶۲-۱۳۹.

https://www.cilamag.ir/article_25168.html

-بهراری، بهنام و بخشی‌شیر احمد، مهدی. (۱۳۸۸). چستی تروریسم جدید و ویژگی‌های آن. دو فصلنامه پژوهش سیاست، ۱۱ (۲۷)، ۲۰-۱.

https://qjpl.atu.ac.ir/article_2533_601.html

-بزرگمهری، مجید و کیارستمی، مهسا. (۱۳۹۶). نقض حقوق بشر به واسطه اقدامات تروریستی و سازوکار مبارزه با آن. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، ۶ (۱)، ۱۵۸-۱۳۱.

https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_2390_00.html

-زیب، رضا و جلالی، محمود. (۱۳۹۷). ارزیابی دفاع مشروع پیشگیرانه. مجلات تخصصی نور، دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۳ (۸۲)، ۸۲-۵۳.

https://jlvviews.ujsas.ac.ir/article_703525.html?lang=fa

-شریفی، محسن. (۱۳۸۲). تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌المللی با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷ (۱)، ۱۱۲-۹۲.

<https://sid.ir/paper/499090/fa>

-صحرايي، محمدرضا. (۱۳۸۸). مشروعیت توسل به زور در مبارزه با تروریسم. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۳ (۴)، ۱۱۳۶-۱۱۱۵.

http://fp.ipisjournals.ir/article_9667.html

-ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۶۶). حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی. مجله حقوق بین‌المللی، ۷ (۸)، ۲۰۴-۱۶۵.

https://www.cilamag.ir/article_18414_79b0488d1e95ad6942549d92f0486ef4.pdf

-فیرحی، داود و ظهیری، صمد. (۱۳۸۷). تروریسم، تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم. فصلنامه سیاست، ۳۸ (۳)، ۱۶۵-۱۴۵.

https://jppq.ut.ac.ir/article_27332_1912.html

-قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۳). مواجهه با تروریسم، رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی. فصلنامه مفید، ۰ (۶)، ۱۶۸-۱۴۱.

https://law.mofidu.ac.ir/article_239486.html?lang=fa

-علاقه بند حسینی، یونس و یزدان‌نجات، رزا. (۱۳۹۲). گسترش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در آیین حقوق توسل به زور و مخاصمات مسلحانه. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۰ (۴۸)، ۲۳۰-۲۰۵.

https://www.cilamag.ir/article_16351.html

-لسانی، حسام‌الدین و منفرد، مهوش. (۱۳۹۶). تأملی بر مشروعیت کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌المللی بشر دوستانه. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۷ (۱)، ۲۴۳-۲۶۷.

https://journals.ut.ac.ir/article_61755_0.html



- Greg, T., & John, A. (2003). Terrorism, State responsibility, and the use of military force. *Chicago journal of international law*, 4(1), 97-119.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/cjil4&div=11&id=&page=>
- Gm, S. (2014). The law of armed conflict in the global war on terror: International Lawyers Fighting the Last War. *Notredam journal of law, ethics and public policy*, 19(1), 309-316.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ndlep19&div=19&id=&page=>
- Geraint, H. (2001). The military role in counterterrorism: Examples and implications for liberal democracies. *Strategic studies institute us army war college Carlisle*, 48, 143-184.
<https://kclpure.kcl.ac.uk/portal/en/publications/the-militarys-role-in-counter-terrorism-examples-and-implications>
- Nicholas, R. (2011). Combating terrorist: Legal challenges in the post, International law studies. *International law studies U.S. naval war college*, 87(1), 3-10.
<https://digital-commons.usnwc.edu/ils/vol87/iss1/3/>
- Joshua, W. (2019). State terrorism: are academics deliberately ignoring it?. *Journal of global faultlines*, 6 (2), 204-214.
<https://www.jstor.org/stable/10.13169/jglobfaul.6.2.0204>
- Siamak, K., & SeyedAhmad, T. (2018). COMBATING TERRORISM: CHALLENGES AND RESPONSES. *Ad Alta: Journal of Interdisciplinary Research*, 8(1), 37-42.
https://www.magnanimitas.cz/ADALTA/0801/papers/A_bx02.pdf
- Said, M. (2006). *Self-Defence and International Terrorism*. Internationell våldsanvändning och folkrätt, Norstedts Juridik. 204-212.
<https://www.scandinavianlaw.se/pdf/48-13.pdf>
- Isabelle, D. (2008). Great expectations: the use of armed force to combat terrorism. *Modern War and the Utility of Force*, 19 (3), 328-351.
<https://www.routledge.com/Modern-War-and-the-Utility-of-Force-Challenges-Methods-and-Strategy/Duyvesteyn-A>
- René, V. (2011). TERRORISM, STATE RESPONSIBILITY AND THE USE OF ARMED FORCES. *KVÜÖA toimetised*, 14, 74-111.
<https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=205802>
- Kalin, K., & Hristo, H. (2014). Development of warfare and counter-terrorism. *ASSOCIATION SCIENTIFIC AND APPLIED RESEARCH*. 2 (1314-9784), 4-178.
https://ftn.shu.bg/scientific_forums/journals/science_education_innovation/vol_2_2014.pdf#page=170
- Geir, U. (2003). Terrorism and the Use of Force. *Security Dialogue*, 34(2), 153-167.
<https://www.jstor.org/stable/26298136>
- Greg, T., & John, A. (2003). Terrorism, state responsibility, and the use of military force. *Chi. J. Int'l L*, 4(1), 97-119.
<https://chicagounbound.uchicago.edu/cjil/vol4/iss1/9/>